

حکایت



وَعَلَىٰ آلِهِ السَّلَامُ
 وَعَلَىٰ أَصْحَابِهِ السَّلَامُ

تأملی پیرامون ظرفیت عظیم عزاداری حسینی برای ایجاد آمادگی در امت جهت پیگیری اهداف جهانی اسلام

روضه‌های تمدنی



با بررسی روایات رسیده از معصومان علیهم‌السلام به این نکته مهم دست می‌یابیم که تنها امامی که تا این حد توصیه به گریه و برگزاری مراسم عزاداری برای او شده است، وجود نازنین حضرت اباعبدالله‌الحسین است. ائمه هدی تاکید داشتند شیعیان نگذارند عزای امام حسین (ع) فراموش شود و دستور داده‌اند هر سال مراسم مرثیه و ذکر مصیبت برای سیدالشهدا در هر شهر و محله برپا باشد. دشمنان اسلام و ظالمان هر دوره از تاریخ تلاش کردند تا این مراسم‌ها را از رونق ببندازند و حتی در مقاطعی آن را ممنوع کردند. علت این کار آنان کاملاً روشن است. همان گونه که امام مستضعفین فرمود: «آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند، برای اینکه گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است». مراسم روضه و گریه نقش بزرگی در حفظ جبهه حق‌باوران علیه ظالمان داشته است. به همین سبب گزافه نیست اگر ملتی را که برای خدا و علیه ظلم قیام کردند، ملت گریه‌ها اما از نوع گریه سیاسی بدانیم: «ما ملت گریه سیاسی هستیم، ما ملتی هستیم که با همین اشک‌ها سیل چریان می‌دهیم و خرد می‌کنیم سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است». برای واکاوی بیشتر این موضوع، نوشتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعلی اصغر علوی تقدیم می‌شود.

مسلم‌بن‌عقیل را؟ چه کسی می‌فهمد امام حسین بالای سر حبیبین‌مظاهر چه کشید؟ چه چیز باعث شد جمله‌ای را که برای یاور پیر خود حبیبین‌مظاهر به کار برد برای طفل شیرخوارش علی‌اصغر نیز به کار برد؟ اگر کسی رئیس باشد (مثل امام حسین) و نماینده‌ای بفرستد، می‌فهمد علقه رئیس به نمایندنداش چقدر است، آن وقت روضه مسلم را می‌فهمد و اینکه چرا امام با شنیدن خبر شهادت مسلم فرمود: پس از اینچنین اصحابی خیری در زندگی نیست؛ «لاخر فی العیش بعد هؤلاه». حسین جان منومنیق! لافل زن و بچجات را به کربلا آوردی تا راحت‌تر بتوانیم گریه کنیم، چون همه ز و بچه دارند...

این گریه سیاسی است که ائمه ما به آن تکیه می‌کردند تا اصل اسلام را حفظ کنند. مجالس عزای که توسط ائمه برگزار می‌شد قبل از اینکه یک مساله عاطفی صرف باشد، یک مساله سیاسی مهم و درجه اول مکتب اسلام بود.

روضه را با ۲ نگاه می‌توان نگریست: روضه یک نگاه حداقلی دارد و یک نگاه حداکثری. به عبارتی یک نگاه خوش‌بینانه وجود دارد و یک نگاه بدبینانه؛ نگاه بدبینانه این است که چرا ما حداقل‌ها را نمی‌دانیم؟ روضه حداقلی یعنی خیلی زمینی، خیلی عقلی؛ به تعبیر زیبایی رهبری عزیز بر اساس خرد جمعی بیاییم روضه را تحلیل کنیم. چرا با این نوع نگاه کار نشده است؟ چرا این حداقل‌ها را بررسی و پژوهش نکرده‌ایم؟ امام حسین (ع) را نبیینیم بلکه حسین پسر علی را که انسانی هوشمند است بشناسیم. بیاییم کارهایش را تحلیل کنیم؛ این نگاه بدبینانه است ولی چرا در این زمینه کار نکردیم؟

نگاه خوش‌بینانه این است که روضه آنقدر برکت‌های حداکثری داشته است؛ به خاطر «باب‌النجاه» بودن امام حسین (ع)، به خاطر «رحمت‌الله واسعه» بودن امام حسین (ع)، آنقدر این برکت به ما رسیده که دیگر حداقل‌ها را ندیدیم. چون که صد آمد نمود هم پیش ماست. برکات حداکثری یعنی همان هدایت تکوینی برای ما که نیازی به رجوع به این حداقل‌ها ندارد. یک تعریف ساده از روضه: «بیان یک اتفاق بزرگ است که یک بار اتفاق افتاده است و آنقدر سنگین است که دیگر نباید اتفاق بیفتد». این تعریف با توجه به مبانی‌ای است که در «کامل‌الزیارات» است؛ آنقدر سنگین است: «مصیبه ما اعظمها». دیگر نباید اتفاق بیفتد؛ تنها امامی که در زیارتش می‌توانی لیبیک بگویی، امام حسین (ع) است. اجابت می‌کنم تو را ای خواننده خدا، اجابت می‌کنم تو را ای خواننده خدا. اگر در هنگام استغاثه و طلب پناه، بدن و جسمم تو را اجابت و زبانت هنگام طلب نصرت تو را یاری نکرده است، پس همانا قلب و گوش و چشمم تو را اجابت می‌کنند: «لیبیک داعی الله، ان کان لم یجیک بذنی عند استغاثتک، ولسانی عند استغاثتک، فقد اجابتک قلبی و سمعی و بصری».

یعنی انسانی که زنده است و غریبتش یک بار اتفاق افتاده است، دیگر نباید اتفاق بیفتد. در زیارت هم باید این مفهوم را تکرار کنی. اینها مستندات زیارات ما است. رهبر معظم انقلاب درباره لزوم جلوگیری از تکرار فاجعه عاشورا در آینده می‌فرماید: «اگر امروز من و شما جلوی قضیه را نگیریم ممکن است ۵۰ سال دیگر، ۱۰۰ سال دیگر یا ۵۰ سال دیگر، جامعه اسلامی ما کارش به جایی برسد که در زمان امام حسین (ع) رسیده بود. مگر اینکه چشمان تیزی تا اعماق را ببیند؛ نگهبان امینی راه را نشان دهد؛ مردم صاحب‌فکری کار را هدایت کنند و از ادهای محکمی پشتوانه این حرکت باشند. آن وقت البته خاکریز محکم و دژ مستحکمی خواهد بود که کسی نخواهد توانست در آن نفوذ کند و الا اگر رها کردیم باز همان وضعیت پیش می‌آید. آن وقت این خون‌ها همه هدر خواهد رفت».

روضه یعنی بیان یک اتفاق بزرگ که یک بار اتفاق افتاده است و آنقدر سنگین است که دیگر نباید اتفاق بیفتد. روضه یعنی یاد تاریخ و عبرت‌گیری از آن. روضه یعنی یاد کشته شدن و شهید شدن. روضه یعنی قصه قتل یک عزیز، یک نازنین، یک ولی خدا. روضه یعنی شناخت ظلم، ظالم و مظلوم. روضه یعنی یک تجربه قتلگاه ۶۱ هجری برای ۷۰ پشت شیعه بس است.

روضه‌های «وصف ذبح‌الحسین نصف ذبح‌الحسین» روضه یعنی بدانی عاقبت تشکیلاتی نبودن چه می‌شود. مرور داستان غربت خودش تلقین است. یعنی مواظب باش، حواست جمع باشد. روضه یعنی کاهش دل‌بستگی به دنیا. روضه یعنی آرزوی حکومت بدون طاغوت. روضه یعنی آماده‌سازی مخاطب برای واکنش بی‌وقوع. روضه یعنی تمرین تصمیم‌گیری سریع. روضه یعنی سازماندهی و بسیج تشکل شیعیان در برابر دشمن. روضه یعنی ریل‌گذاری برای اقدام. روضه یعنی آماده کردن جاده برای رسیدن به هدف مطلوب، یعنی همان هدف سیدالشهدا. روضه کربلا یک بار بیشتر اتفاق نیفتاده است اما مهم‌تر آن است که یک بار هم بیشتر نباید اتفاق بیفتد. نتیجه اینکه گودی قتلگاه را نباید دوباره ببینیم

منظومه‌ای از روضه، خودش در در آن نشان می‌دهد، اینگونه است که بگذار بگویم چه چیزی می‌شود؟ اگر کوفیان نامه بنویسند، اینگونه می‌شود که... بگذار بگویم حسین در قتلگاه... جزئیات جان دادن امام در قتلگاه... علی‌اکبر چگونه اربا را با شد... بگذار بگویم اگر مردم این کار را بکنند علی‌اکبر و علی‌اصغر چه می‌شوند؟ تحلیل محتوای روضه‌ها این است که بگذار بگویم چه می‌شود؟ چه کسی باعث شد علی‌اکبر اینگونه بشود، علی‌اصغر اینگونه برپر شود و پسر فاطمه این چنین کشته شود... بگذار بگویم... حالت احساسی یا از زشی برای قضیه قاتل شومیم. از یک تاریخی صحبت می‌کنیم که همه می‌بینند، از غیب سخن نمی‌گوییم، داریم از زمین کربلا، از یک مورد کالوی حرف می‌زنیم. داریم روضه را با نگاه حداقلی نگاه می‌کنیم. در روضه دائماً آخر قصه را مرور می‌کنیم؛ همان «عبرتی» که آقا اشاره می‌کنند تا دیگر تکرار نشود. آنقدر می‌گوییم و می‌گوییم تا همان یک گودال سال ۶۱ هجری همیشه تازه باشد. روضه یعنی همین، یک تجربه قتلگاه سال ۶۱ هجری برای هفتاد پشت شیعه بس است. با این نگاه اگر وارد شوید، می‌فهمید که چرا قاتلان امام حسین از شامی‌ها نشدند. دقیقاً از کوفی‌ها بودند؛ کوفی‌های شیعه امام علی (ع)، کسانی که دین را به وسیله علی (ع) شناختند؛ دقیقاً از کوفه بودند. می‌توانید مستندات قرآنی را بررسی کنید. می‌خواهیم یک بحث کامل از زمینه و عقلی کنیم ولی نه آن عقلی که «ما عبد به الرحمان»، بلکه همان عقل معاش. برای همین است که قاتلان امام حسین (ع) از کوفیان هستند. قصه بعد از نزول آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ وُضِعَتْ لَكُمْ الاسلام دینا». قرآن می‌گوید «فلا تخشوهن و اخشوهن»؛ از بیرون نباید ترسید، از خودتان برترسید. از شام ترسید، از کوفه برترسید. به یک معنا از تشکیلاتی نبودن خودتان برترسید. اما عاشورا روضه‌های مهم دیگری نیز دارد. چه کسی می‌فهمد حال امام حسین (ع) را در دست دادن یساران؟ یآوری فداکار مثل

شام کسی نمی‌آید؛ شما از خودتان برترسید، خود شما کوفیان، حسینی را که منتظرش بودید کشیدید. می‌گویید «وصف العیش، نصف العیش». در روضه هم همین است؛ «وصف ذبح‌الحسین نصف ذبح‌الحسین». وقتی روضه می‌خوانند این سوال برای ما پیش می‌آید که چرا باید بعد از هزار سال گریه کنیم؟ یک گریه کاملاً سیاسی، یک گریه کاملاً حماسی؛ کم‌کم لایه‌ها را عمیق‌تر می‌کنیم. در روضه دائماً ما جزئیات دست و پا زدن یک رهبر یا یک مسؤول جامعه را در خون خود می‌بینیم تا بدانیم آخر تشکیلاتی نبودن چه می‌شود.

مرور داستان غربت، خود تلقین است. یعنی مواظب باش، حواست جمع باشد، دور نیست این قصه نزدیک است. قصه زندگی من و شما یک جاده است. کلا تاریخ مثل یک جاده‌ای است که به آخرش اگر دقت نکنی سرر از گودال قتلگاه درمی‌آورد؛ پس «ولا تقرّبوا هذا الطریق». اصلاً نزدیک این قصه نشوید چون مثل دکل‌های برق فشار قوی است. اگر به آن نزدیک هم شوی به تو آسیب جدی می‌رساند. برای اینکه بتوانیم این کار را انجام دهیم، باید با استفاده از قوه خیال تصور کنیم امام حسین (ع) در گودال قتلگاه دائماً جلوی ما دست و پا می‌زند؛ یک ولی خدا، یک امام و شما هم دائماً باید ضجه بزنی، هر کس این داستان را می‌خواند، به تعبیر شیخ جعفر شوشتری دلش خواهد لرزید که امام حسین (ع) با آن همه ویژگی و خصایص در حال دست و پا زدن است. ضجه باعث وصل شدن دل می‌شود. وقتی دل وصل شد، اصلاً فکر نمی‌کنی که حسین زمان تنها شود؛ این اثر روضه است. وقتی همیشه حسین جلوی چشمت دست و پا بزند و گودی قتلگاه همیشه تازه باشد، شما با خود می‌گوییم می‌غلط بکنم شاهد تکرار چنین حادثه‌ای باشم. ما می‌گوییم «وصف العیش، نصف العیش» و از آن طرف «وصف الروضه، نصف الروضه» یعنی شما خیال این را که حسین زمامت تنها شود از سرت بیرون می‌کنی. برای درک لذت بلندای قله کوه باید رنج کوه‌پیمایی را کشید. یک ورزشکار توانای قهرمان باید سختی قهرمانی را چشیده باشد. «لذت» قهرمانی و «رنج» آن با هم است. برای لذت بیشتر از مجالس روضه و افزایش اشک باید محبت را رشد داد و این لذت با افزایش معرفت به دست می‌آید. یکی از بهترین راه‌های افزایش محبت، افزایش معرفت است. رنج افزایش معرفت را باید کشید تا لذت اشک بیشتر برای امام حسین (ع) را هم داشته باشیم. تاریخ عاشورا را باید خواند. باید وقت زینب (س) را با خود شبیه‌سازی کرده و گوشه‌ای از آن را در روضه‌ها می‌فهمیم؛ مانند ارتباط برادر و خواهری که برای برقراری ارتباط بهتر با امام حسین (ع) و حضرت می‌کنیم. همچنین مادران می‌توانند حس بچه‌ها را در دست داشتن را احساس کنند تا با حضرت رب‌ب همدرد شوند و روضه‌های علی‌اصغر را بهتر بفهمند.

اما عاشورا روضه‌های مهم دیگری نیز دارد. چه کسی می‌فهمد حال امام حسین (ع) را در دست دادن یساران؟ یآوری فداکار مثل شام کسی نمی‌آید؛ شما از خودتان برترسید، خود شما کوفیان، حسینی را که منتظرش بودید کشیدید. در روضه هم همین است؛ «وصف ذبح‌الحسین نصف ذبح‌الحسین». وقتی روضه می‌خوانند این سوال برای ما پیش می‌آید که چرا باید بعد از هزار سال گریه کنیم؟ یک گریه کاملاً سیاسی، یک گریه کاملاً حماسی؛ کم‌کم لایه‌ها را عمیق‌تر می‌کنیم. در روضه دائماً ما جزئیات دست و پا زدن یک رهبر یا یک مسؤول جامعه را در خون خود می‌بینیم تا بدانیم آخر تشکیلاتی نبودن چه می‌شود.

مرور داستان غربت، خود تلقین است. یعنی مواظب باش، حواست جمع باشد، دور نیست این قصه نزدیک است. قصه زندگی من و شما یک جاده است. کلا تاریخ مثل یک جاده‌ای است که به آخرش اگر دقت نکنی سرر از گودال قتلگاه درمی‌آورد؛ پس «ولا تقرّبوا هذا الطریق». اصلاً نزدیک این قصه نشوید چون مثل دکل‌های برق فشار قوی است. اگر به آن نزدیک هم شوی به تو آسیب جدی می‌رساند. برای اینکه بتوانیم این کار را انجام دهیم، باید با استفاده از قوه خیال تصور کنیم امام حسین (ع) در گودال قتلگاه دائماً جلوی ما دست و پا می‌زند؛ یک ولی خدا، یک امام و شما هم دائماً باید ضجه بزنی، هر کس این داستان را می‌خواند، به تعبیر شیخ جعفر شوشتری دلش خواهد لرزید که امام حسین (ع) با آن همه ویژگی و خصایص در حال دست و پا زدن است. ضجه باعث وصل شدن دل می‌شود. وقتی دل وصل شد، اصلاً فکر نمی‌کنی که حسین زمان تنها شود؛ این اثر روضه است. وقتی همیشه حسین جلوی چشمت دست و پا بزند و گودی قتلگاه همیشه تازه باشد، شما با خود می‌گوییم می‌غلط بکنم شاهد تکرار چنین حادثه‌ای باشم. ما می‌گوییم «وصف العیش، نصف العیش» و از آن طرف «وصف الروضه، نصف الروضه» یعنی شما خیال این را که حسین زمامت تنها شود از سرت بیرون می‌کنی. برای درک لذت بلندای قله کوه باید رنج کوه‌پیمایی را کشید. یک ورزشکار توانای قهرمان باید سختی قهرمانی را چشیده باشد. «لذت» قهرمانی و «رنج» آن با هم است. برای لذت بیشتر از مجالس روضه و افزایش اشک باید محبت را رشد داد و این لذت با افزایش معرفت به دست می‌آید. یکی از بهترین راه‌های افزایش محبت، افزایش معرفت است. رنج افزایش معرفت را باید کشید تا لذت اشک بیشتر برای امام حسین (ع) را هم داشته باشیم. تاریخ عاشورا را باید خواند. باید وقت زینب (س) را با خود شبیه‌سازی کرده و گوشه‌ای از آن را در روضه‌ها می‌فهمیم؛ مانند ارتباط برادر و خواهری که برای برقراری ارتباط بهتر با امام حسین (ع) و حضرت می‌کنیم. همچنین مادران می‌توانند حس بچه‌ها را در دست داشتن را احساس کنند تا با حضرت رب‌ب همدرد شوند و روضه‌های علی‌اصغر را بهتر بفهمند.

اما عاشورا روضه‌های مهم دیگری نیز دارد. چه کسی می‌فهمد حال امام حسین (ع) را در دست دادن یساران؟ یآوری فداکار مثل

آنچه که این جنبه‌ها ندارند از خود داستان درست می‌کنند و در حین آن داستان مهربانی تولید می‌کنند: کاش آن نامرد را من می‌زدم... کاش بودم و یاری می‌کردم. الهی بمیرم برای آن کسی که سلی خوردم... ولی ما روضه داریم... «با روضه مهربان‌ترین شویم».

ما روضه‌ای که تجسم می‌کنید. احساس شفقت‌آمیزتان را در طول یک قصه برای کودک رشد می‌دهید. هر جا ظلم شده تحریک عاطفه می‌کنید و احساس مهربانانه و حمایت‌گرانه کودک را با آن تقویت می‌کنید. اثبات شده است انسانی که اینگونه در روز چند بار گریه کند مهربان می‌شود؛ مهربان مهربان. بعد از روضه ۳ ساله امام حسین (ع) باباها مهربان‌تر می‌شوند و رفتارشان بهتر می‌شود. بعد از روضه جناب رب، مادرها و به همین ترتیب کربلا برای هر کسی روضه‌ای برای باخلاق‌تر شدن دارد.



روضه از آن پدیده‌هایی است که باید نگاه‌ها به آن روضه کرد. نباید به روضه یک نگاه صرفاً عاطفی و احساسی داشت و وقتی به ذهن مان می‌آید، کلمه‌ای که دنبالش می‌آید، فقط گریه باشد. نباید روضه که می‌رویم و گوش می‌دهیم، فقط به خاطر ثواب کردن و اجر بردن باشد! روضه خیلی فراتر از این است. باید نگاه‌ها را به روضه عوض کرد.

این ادعا قابل اثبات است که بعد از شهادت امام حسین (ع) و تا الان که شیعیان در اقلیت هستند، این روضه است که شیعه را نگه داشته است. این روضه است که باعث می‌شود زمینه‌سازی برای ظهور انجام شود. این روضه است که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند. این روضه است که دشمنان از آن هراس دارند، البته نه فقط به خاطر اشک و گریه‌های روضه.

آثار سازمانی روضه به دنبال این است تا یک نوع نگاه جدید از روضه به شما ارائه دهد. نگه‌ها که اگر این نوع نگاه باشد به وضوح می‌فهمیم روضه است که شیعه را تا الان زنده نگه داشته است و زمینه‌ساز دولت جهانی حضرت مهدی می‌شود.

تذکر: خواندن این دستور پیش‌نیازی دارد و آن هم اعتقاد به حرکت تمدنی ابا عبدالله‌الحسین است. از آن روزی که کتاب «روضه‌الشهدا» نوشته شد روزگاری گذشت است.

روزگاری مردم به عشق شنیدن وقایع کربلا پای منبرها می‌نشستند تا «روضه‌الشهدا» می‌خواندند. کاشفانی را که منبری و واعظ برای‌شان می‌خواند، گوش کنند کم کم «روضه‌الشهدا» خوانی به روضه‌خوانی مصطلح شد. روضه‌خوان یعنی کسی که از روی کتاب روضه‌الشهدا برای مردم بالای منبر می‌خواند؛ روضه‌الشهدا با همه نقدهایی که با خودش داشت... نام روضه را از آن کتاب وام گرفتند و مجالس بهشتی عزایش را روضه نام نهادند؛ روضه یعنی باغ و گلزار و تصویری از بهشت... باید دوباره در اطراف این مفهوم عمیق نگریست...

در منظومه فکری امام و رهبر معظم انقلاب روضه صرفاً نقل یک رویداد احساسی و عاطفی تاریخی نیست، بلکه عظمت و جایگاه ویژه‌ای دارد و شانی در الگودهی به زندگی مردم دارد. روضه فقط اشک ریختن نیست، روضه یک بعد سیاسی دارد که به گفته حضرت امام حتی اگر غرب‌زده‌ها هم این بعد روضه را می‌فهمیدند مجلس عزاداری بر گزار می‌کردند.

با گریه مکتب اسلام حفظ شده است و حفظ خواهد شد. با همین ناله‌ها، با همین حسین حسین گفتن‌ها... هر مکتبی که پایش سینه‌زنی و روضه و گریه نباشد، حفظ نمی‌شود. این باید با پوست و گوشت و خون‌مان در آمیزد. در یک تقسیم‌بندی می‌توان بیان کرد گریه می‌تواند علت‌های مختلفی داشته باشد. علت بعضی از گریه‌ها صرفاً عاطفی و احساسی است. به عنوان مثال گریه یک فرزند در فراق مادر و پدرش از این نوع گریه است. این نوع گریه تنها به تسکین دادن و آرامش قلبی می‌انجامد که در نوع خود لازم و ضروری است.

اما بعضی از گریه‌ها سیاسی است. یعنی چه؟ این گریه سیاسی است که یک امت را یکپارچه می‌کند تا دشمن قدرت نفوذ در آن را پیدا نکند.